

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

RS

جنگ علیه عدم اشاعه هسته‌ای

جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران به جای اینکه جلوی اشاعه تسلیحات هسته‌ای را بگیرد، کاری کرد که پیمان عدم اشاعه (NPT) تضعیف شود. ایران ۲ ژوئیه اعلام کرد که در واکنش به این حملات همکاری‌اش را با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تعلیق می‌کند. در عین حال این حملات غیرقانونی که آمریکا هم به آن پیوست، زمینه‌ای را برای جنگ‌های بی‌پایانی ایجاد کرد که رئیس‌جمهور آمریکامدعی بوده‌ی خواهد از آنها اجتناب کند. هرچند دوندمای دیپلماسی میان ایران و آمریکا در زمینه هسته‌ای چندان روشن به نظر نمی‌رسد، اما همچنان مسیری در چارچوب همکاری‌های عدم اشاعه منطقه‌ای برای حل و فصل این مسئله وجود دارد. تعلیق همکاری‌های ایران و آژانس در واقع پایانی بر شفافیتی بود که بازرسی‌های آژانس از سال ۱۹۷۴ تاکنون ایجاد کرده بود. به دلیل همین شفافیت بود که همگان از میزان و محل نگهداری مواد شکاف‌پذیر ایران خبر داشتند. این مواد بدون اطلاع آژانس نمی‌توانست برای کاربردهای نظامی مورد استفاده قرار گیرد. اما به دلیل حملات آمریکا و اسرائیل این آگاهی دیگر از دست رفته‌است. به نظر می‌رسد اسرائیل که هدفش نه فقط برنامه هسته‌ای، بلکه تضعیف یا سرنگونی حکومت ایران بود، خواستار اقدام‌های نظامی بیشتر است. اینکه توانمندی‌های هسته‌ای ایران بر خلاف ادعای آمریکا نابود نشده‌است، باعث می‌شود که جلوگیری از اقدامات بیشتر اسرائیل، حتی در صورت تلاش آمریکا، مشکل‌تر شود. این مسئله دقیقاً همان چیزی است که کارشناسان قبلاً در مورد آن هشدار داده بودند: تجاوزهای نظامی پایان‌ناپذیری که از حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران ناشی می‌شود. تصمیم ایران برای تعلیق همکاری‌ها با آژانس، سوا از این تصور در ایران که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی سوگیری به نفع اسرائیل و کشورهای غربی دارد، نتیجه این بود که ایران استمرار شفافیت در حوزه هسته‌ای را خلاف منافع خود ارزیابی می‌کرد. ایران با اعلام مکان مواد هسته‌ای نجات‌یافته از حملات به آژانس، ممکن است اطلاعاتی ارائه دهد که حملات مجدد آمریکا و اسرائیل را به ایران تسهیل کند. یکی از شواهدی که به خوبی می‌تواند راهبرد «جلوگیری از اشاعه از طریق تهاجم» را زیر سوال ببرد، دقیقاً این خواهد بود که ایران تصمیم بگیرد از پیمان NPT خارج شود و تصمیم به ایجاد بازدارندگی هسته‌ای بگیرد. در هر صورت حمله به تمامیت ارضی ایران دقیقاً شرایطی است که «رخداد فوق‌العاده‌ای منافع عالی کشور را به خطر بیندازد» و این شرط قانونی در ماده ۱۰ پیمان NPT به عنوان دلیل خروج از این پیمان ذکر شده‌است. اما ایران هنوز نه از NPT خارج شده‌است و نه درها را به روی دیپلماسی بسته‌است. ایران در حال حاضر همچنان روی پیشنهاد آمریکا برای از سرگیری مذاکرات فکر می‌کند. سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران گفته‌است که «ایران به تضمین‌هایی نیاز دارد که مجدداً در صورت ناموفق ماندن مذاکرات مورد حمله قرار نگیرد.» جنگ باعث شد که اعتماد لازم برای دیپلماسی دو جانبه از بین برود. به گفته عراقچی، این حمله «خیانت به دیپلماسی» بود. یک توافق هسته‌ای در عین حال نیازمند مصالحه در خصوص مسئله کلیدی غنی‌سازی اورانیوم است. چنین مصالحه‌ای سال ۲۰۱۵ در برجام به دست آمد و ایران پذیرفت که به ازای برترق شدن تحریم‌ها به صورت قابل‌راستی آزمایی فعالیت‌های غنی‌سازی خود را محدود کند. مشکل، محدودیتی است که ترامپ برای خودش ایجاد کرده‌است که حاضر نیست هیچ چیزی که تشابهی با برجام داشته باشد بپذیرد. او سال ۲۰۱۸ از برجام خارج شد و بحران هسته‌ای با ایران را مجدداً احیا کرد. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا اصرار دارد که ایران نباید اجازه داشته باشد به هیچ‌وجه غنی‌سازی اورانیوم داشته باشد و اینگونه فرض کرده بود که می‌تواند با استفاده از زور و فشار حداکثری ایران را وادار به کنار گذاشتن غنی‌سازی کند اما ایران به صورت پیوسته این خواسته را رد کرده‌است. حالاً فرض آمریکا این است که ایران در نتیجه جنگ این خواسته را کنار خواهد گذاشت.

جنگ ۱۲ روزه نتیجه انباشت سیاست‌های فاجعه‌بار فشار حداکثری آمریکا از سال ۲۰۱۸ بود. آمریکا نظام بین‌المللی عدم اشاعه را به خاطر برخی از موفقیت‌ها در سیاست داخلی و تقویت روابط دوجانبه با اسرائیل قربانی کرد. استمرار این مسیر ممکن است به جنگ‌های بی‌پایان در منطقه منجر شود.

عکس: Reuters

دیپلماسی

DIPLOMACY



نگاه هم‌میهن

انحصارطلبی هسته‌ای

آیا روسیه به موضع پیشین‌اش از برجام در مورد سلب حق غنی‌سازی از ایران بازگشته است؟



نعمت‌الله ایزدی سفیر پیشین ایران در روسیه در گفت‌وگو با «هم‌میهن»:

روسیه منافع خودش را در نظر می‌گیرد نه منافع هسته‌ای ما

خارج‌شود. فعالیت‌های هسته‌ای بومی ایران، دور از دسترس روس‌ها قرار دارد و ایران حاضر نیست که اجازه بدهد همه فعالیت‌های هسته‌ای ایران تحت نظارت و مدیریت روسیه انجام شود. به هر حال نوعی استقلال طلبی در کشور وجود دارد که اجازه نمی‌دهد در مقابل چنین خواسته‌های سلطه‌طلبانه‌ای تسلیم شود.

روسیه در توافقنامه‌های ساخت نیروگاه هسته‌ای که با مصر و ترکیه بسته است، کلیه فرآیندهای این نیروگاه‌ها را تحت مدیریت و نظارت خود قرار داده‌است و هیچ اختیاری برای مدیریت و بهره‌برداری در اختیار این کشورها قرار نداده‌است.

دقیقاً، هدف روس‌ها این است که فعالیت‌های هسته‌ای کشورهای شریک و طرف قراردادشان کاملاً تحت تسلط خودشان باشد. روس‌ها با توجه به همسایگی‌ای که با ایران دارند و منفعی که برای خودشان تعریف می‌کنند، بیش از دیگر کشورها علاقه‌مند هستند که در مسئله هسته‌ای ایران مداخله و نظارت داشته باشند.

تکنه اصلی این است که روس‌ها مادی که احساس کنند برنامه هسته‌ای ایران تهدیدی برای آنها نیست و بتوانند اشراف و نظارت بر آن داشته باشند، مشکلی با برنامه هسته‌ای ایران نخواهند داشت. اما اینکه برنامه غنی‌سازی ایران بدون نظارت و اشراف روسیه انجام شود، زمانی که سطح غنی‌سازی به درصدی می‌رسد که برای روسیه نگران‌کننده باشد، حتماً با آن مقابله خواهند کرد. با توجه به این نکته، در این مقطع و با این شرایطی که پیش آمده‌است، روس‌ها احتمالاً علاقه‌مند هستند که ما غنی‌سازی را رها کنیم تا اینکه نه آنها احساس نگرانی کنند و نه منطقه دچار مشکل و بی‌ثباتی شود. اگر این را مغفوق بگیریم، آنگاه هیچ بعید نیست که به رغم تکذیب‌هایی که از سوی منابع آگاه در ایران و وزارت خارجه روسیه بیان شده‌است، مسکو پیامی در مورد موافقت تهران با غنی‌سازی صفر به ایران فرستاده باشد یا در مورد پذیرش این پیشنهاد به تهران توصیه‌ای کرده باشد.

روسیه قبل از برجام هم زمانی که پرونده ایران در شورای امنیت سازمان ملل متحد بود به هر قطعنامه‌ای که از ایران می‌خواست برنامه غنی‌سازی خود را متوقف کند، رای مثبت داده بود...



شهاب شهسواری
خبرنگار گروه دیپلماسی

هفته گذشته پس از آنکه پایگاه خبری اکسیوس به نقل از دیپلمات‌های غربی مدعی شد که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در پیامی به ایران پیشنهاد داده‌است که ایران گزینه توقف غنی‌سازی در خاک خود را در مذاکرات بپذیرد، جنجال تازه‌ای در پرونده هسته‌ای ایران شکل گرفت. روسیه به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین حامیان دیپلماتیک ایران در مذاکرات هسته‌ای، در سال‌های اخیر از حق ایران برای غنی‌سازی حمایت کرده بود و انتقادهای خود را در مورد برنامه هسته‌ای ایران متوجه دولت‌های غربی و به ویژه خروج آمریکا از برجام می‌کرد. هر چند مقام‌های رسمی ایران و وزارت خارجه روسیه خبر اکسیوس را تکذیب کردند، اما همچنان سوال‌ها در مورد موضع جدید روسیه در قبال برنامه هسته‌ای ایران جواب روشنی پیدا نکرده‌است. وزارت امور خارجه روسیه یک روز پس از انتشار خبر اکسیوس با صدور بیانیه‌ای، «خبرهای برخی رسانه‌ها» را «کارزار کثیف با اهداف سیاسی» برای تخریب روابط روسیه عنوان کرد. در تهران هم خبر اکسیوس با واکنشی مشابه روبه‌رو شد و هدف از انتشار این خبر «ایجاد اختلاف و بدبینی» در رابطه ایران و روسیه عنوان شد. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، در واکنش به این خبر در جمع خبرنگاران گفت: «در رابطه با خبرهایی که هرزچندگاهی با هدف ضربه زدن به روابط ایران با همسایگان و دوستانش ساخته می‌شود، خوشبختانه وزارت امور خارجه روسیه خیلی سریع موضع‌گیری کرد و سفارت روسیه در تهران نیز بیانیه‌ای بسیار روشن منتشر کرد. از نظر ما نیز این خبر کاملاً ساختگی بود. این اولین بار نیست که چنین خبرهایی منتشر می‌شود. همان‌طور که عرض کردم، هدف روشن است: ایجاد اختلاف و بدبینی میان کشورهایی که روابط خوب و سازنده‌ای با یکدیگر دارند. ما رابطه‌مان با روسیه رابطه‌ای است مبتنی بر احترام متقابل و منافع متقابل. ضمن اینکه دوستان روس به خوبی می‌دانند که جمهوری اسلامی ایران در همه موضوعات مرتبط با سیاست خارجی، از جمله موضوع هسته‌ای، مستقل تصمیم‌گیری می‌کند و روسیه همواره به این تصمیم‌های مستقل احترام گذاشته‌است. هم در چارچوب مباحث مرتبط با پرونده هسته‌ای و هم در سایر

بله! کاملاً درست است. واقعیت این است که در طول بیش از یک دهه‌ای که از صدور آن قطعنامه‌ها می‌گذرد، به نظر می‌رسد که رفتار آنها در ظاهر اندکی تغییر کرده باشد. اما واقعیت این است که هنوز کار مجدداً به شورای امنیت سازمان ملل متحد نکشیده‌است که موضع روسیه مجدداً در بونه آزمایش قرار گیرد. در گذشته آنها حامی موضع غرب در خصوص توقف غنی‌سازی اورانیوم در ایران بودند. در سال‌های اخیر مسکو مرتباً تأکید می‌کند که از حقوق هسته‌ای ایران حمایت می‌کند، اما عمده این مواضع مبهم است و به صورت مشخص بر حق ایران برای غنی‌سازی اورانیوم در خاک خود تأکید نمی‌کنند. اگر روسیه مجدداً مانند گذشته بخواهد که با غرب در مورد غنی‌سازی صفر همراهی کند، نشان می‌دهد که آنها در محاسبات بین‌المللی‌شان، منافع خودشان را در نظر گرفته‌اند و همراهی با غرب را برای خودشان مفیدتر از همراهی با ایران می‌دانند. نباید تصور کنیم که روسیه آمادگی دارد کاملاً از فعالیت‌های مادر راستای منافع ملی ایران حمایت کند. بلکه مسکو بار در نظر گرفتن محاسبات منافع ملی خودش تصمیم‌گیری می‌کند.

روسیه از زمان روی کار آمدن مجدد دونالد ترامپ، بارها اعلام آمادگی کرده‌است که در مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا به عنوان میانجی وارد عمل شود. آیا مسکو می‌تواند میانجی قابل اعتماد و انکاری برای مذاکرات هسته‌ای باشد؟

من بارها این را گفته‌ام که کنسروی می‌تواند یک میانجی قابل قبول و مفید باشد که منفعتی در موضوع مورد مناقشه دو طرف نداشته باشد. برای مثال عمان واقعاً منفعت مستقیمی در موضوع هسته‌ای ایران ندارد. در عین حال برای عمان ارزشمند است که مذاکرات ایران و آمریکا به نتیجه برسد، چون از نظر آنها توافق میان ایران و آمریکا باعث ثبات و امنیت بیشتر در منطقه می‌شود. ولی روسیه در هر شرایطی هر اقدامی بخواهد بکند، ابتدا منافع خودش را در نظر می‌گیرد و ممکن است حتی پازلی درست بکند که مسائل ایران و آمریکا با مسئله اوکراین تا حدی در هم تنیده شوند که حتی پیچیدگی‌های مذاکره ایران و آمریکا از همین هم که هست، بیشتر شود. ما اگر دنبال میانجی و واسطه برای گفت‌وگوها با آمریکا باشیم، باید سراغ یک میانجی فاقد منفعت در اصل موضوع مورد مناقشه برویم.

نباید فراموش کرد که اگر اختلاف ما در حال حاضر با غرب است، یکی از منافع روسیه در همین روابط ایران و آمریکا و مجموعه غرض خفته‌است. تصور مسکو این است که اگر روابط ایران و غرب بهبود پیدا کند، ممکن است تهران در روابط خود با روسیه تجدیدنظر کند. به صورت طبیعی حضور روسیه در این مذاکرات به عنوان واسطه این سوال را ایجاد می‌کند که اگر منافع روسیه در فقدان رابطه حسنه میان ایران و غرب است، پس اساساً چرا باید برای بهبود این روابط تلاش کند؟ علاوه بر این خود روسیه هم با غرب دچار مناقشه‌است و اگر مشکل غرب با ایران حل و فصل شود، آنگاه غرب توجه بیشتری به مشکلات روسیه خواهد کرد. اساساً به نظر من روسیه را باید از مجموعه گزینه‌های احتمالی وساطت و میانجی‌گری در پرونده هسته‌ای حذف کرد.

به اعتقاد شما مواضع روسیه در طول تجاوز ۱۲ روزه نظامی اسرائیل به ایران تا چه اندازه توانست رضایت جمهوری اسلامی ایران را جلب کند؟